

مبنای فقهی عدم پوشش صورت زنان شیعه در حال احرام

کهر زهره میرهاشمی^۱، فاطمه محرمی^۲، زینب قاسم پور^۳

چکیده

یکی از احکام ثابت اسلام که همه مذاهب اسلامی بر آن اتفاق دارند، دستور رعایت پوشش برای بانوان در حال احرام است ولی از آن جا که در میان پیروان مذاهب اسلامی در رعایت حدود پوشش در حال احرام تفاوت عملی ملاحظه میشود، تا آن جا که زنان شیعه بر اساس فتوای فقهای شیعه بر حرمت ستر صورت، خود را ملتزم به اجرای این حکم برای صحت اعمال و مناسکشان میدانند.

درحالی که برخی دیگر از حجاج مناسک خود را با روبنده به جا میآورند، لازم دانسته شده که حدود ستر و پوشش زن محرم در اسلام بر مبنای مبانی و منابع فقه اسلامی به طور دقیق و مستدل مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، سوال اصلی تحقیق این است که حکم ستر صورت زن در حال احرام از منظر فقه اسلامی چیست و دلایل جواز و عدم جواز آن کدامند؟

در این نوشتار برای رسیدن به این هدف با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی و به روش مطالعه کتابخانهای، دیدگاه های فقهای مذاهب اسلامی در این خصوص بیان شده و با نگاه تطبیقی و با توجه به منابع روایی و استنباط های فقها، مساله مورد بررسی قرار گرفته و دلایل و مبانی آن مطرح شده و به این نتیجه رسیده است که ستر صورت در حال احرام حرام است و اسفار آن مورد اتفاق علمای شیعه و سنی می باشد و جواز ستر به صورت اسدال که در روایات آمده ناظر به حالت ضرورت و در معرض نگاه نامحرم مورد اتفاق می باشد و تفاوتی که در عمل میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی مشاهده میشود.

۱ عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا mirhashemi@yahoo.com

۲ طلبه سطح ۴، مرکز تخصصی کوثر moharrami.mf@gmail.com

۳ طلبه سطح ۴، مرکز تخصصی کوثر zeinabghasempour@yahoo.com

در بحث علمی و حکمی وجود نداشته و وحدت در حکم در میان تمام مذاهب اسلامی در وجوب عدم ستر صورت زن محرم وجود دارد و عمل زنان شیعه در این مورد معمول بر صحت است.

کلیدواژه: حجاب، ستر صورت، احرام (محرم)، زن شیعه

مقدمه

پوشش اجتماعی بانوان، برگرفته از احکام و دستورهای مکتب وحی است و در مقام پاسخگویی به نیازهای فطری و طبیعی ایشان نازل شده است. عدم ستر صورت در حال احرام از مقوله ای است که در مباحث فقهی مورد بحث قرار گرفته است. ضرورت بررسی این موضوع به دلیل عملکرد متفاوت برخی پیروان مذاهب اسلامی است. لذا به خصوص به منظور تایید عمل بانوان شیعه در این خصوص، سعی بر آن است که با تفحص در آرای فقهای مذاهب اسلامی اعم از امامیه و مذاهب چهارگانه اهل تسنن به مساله ضرورت وجوب یا عدم وجوب ستر صورت در حال احرام، پاسخ داده شود. بر این اساس، سوال اصلی تحقیق این است که حکم عدم ستر صورت زن در حال احرام از منظر فقه اسلامی و بر مبنای مبانی و بر اساس منابع معتبر فقه اسلامی چیست و دلایل جواز و عدم جواز آن کدامند؟ برای رسیدن به پاسخ ابتدا دیدگاه فقهای امامیه درخصوص ستر و پوشش صورت در غیر احرام و دلایل حرمت ستر صورت در حال احرام، مورد بررسی قرار میگیرد و متعاقب آن ضمن بیان آرای فقها و ادله آنان، جواز ستر صورت و کراهت آن نیز تبیین خواهد شد. نظر به اینکه هدف از این تحقیق، تبیین حکم مساله از منظر فقه اسلامی اعم از مذاهب مختلف میباشد، نظر فقهای اربعه نیز مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در این خصوص، تاکنون کتاب و مقالهای مرتبط و مستقل، منتشر نشده است. لذا دیدگاههای فقهای شیعه و سنی در این خصوص مورد بررسی و کنکاش قرار داده می شود.

۱- مفهوم حجاب و ستر در لغت و اصطلاح

حجاب به معنای پوشش است. "الحجاب الستر الحائل بین الرائی و المرئی" (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۸) و در اصطلاح عبارت است از پوشاندن ضروری مو و سایر اعضای بدن به جز صورت و دو دست و گاهی (دو پا) توسط زنان مسلمان تنها در صورتی که کنیز نباشند. (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۵۲) اگرچه حجاب در لغت به معنای حایل و پرده است اما امروزه فقط به معنای پوشش مخصوص زنان بکار می رود. و از معنای پرده کاملاً منسلخ شده بنابراین به کاربردن حجاب در مورد پوشش زن اصطلاحی جدید است. به همین دلیل امروز در کلمات مفسران متأخر و نویسندگان

معاصر به جای کلمه ستر یا پوشش از واژه «حجاب» استفاده می شود. در حالی که در اصطلاح فقها کلمه «ستر» به معنای پوشش بکار رفته و فقها در کتاب «صلوه» و در کتاب «النکاح» کلمه ستر را به کار بردند و با عناوینی مانند تغطی الوجه (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۷۳)، تخمیر الوجه (شافعی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۵) و سترالوجه (اردبیلی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۵۱) تفسیر نمودند.

۲- احرام در لغت و اصطلاح

احرام در لغت به معنای منع کردن است. (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۳۱) و در اصطلاح، حرام کردن بعضی از کارهای حلال و مباح، پس از پوشیدن لباس احرام میباشد و کسی که چنین کند را محرم می گویند. (خرمشاهی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ذیل واژه) همچنین به معنای ورود در نماز یا حج یا عمره میگویند. (انصاری، ج ۱، ص ۳۰۵). مراد از احرام در این نوشتار به معنای «احرام حج» میباشد.

برای واژه احرام تعریف های مختلفی شده است: در یک تعریف، ماهیت ترکیب یافته از پوشیدن در جامه احرام، نیت و تلبیه (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۲۷)، در تعریف دیگر، آمادگی نفسانی بر ترک محرمات تا پایان مناسک (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۸۹)، در تعریف سوم از احرام چنین آمده است، التزام به ترک محرمات یا قصد ترک آنها (طباطبایی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۳۵۹)، همچنین در تعریف احرام گفته شده است که احرام تلبیه است و آنچه بر تلبیه مترتب می شود. (خویی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۵۴)

پس از مفهوم شناسی واژگان ستر و احرام، دیدگاه فقهای امامیه و اهل تسنن در زمینه اصل لزوم پوشش و محدوده آن، در نماز و مقابل نامحرم در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد.

۳- حکم ستر صورت در غیر احرام

۳-۱- حکم ستر صورت در غیر احرام از منظر فقهای امامیه

نظر فقهای امامیه در رابطه با حدود پوشش زنان در مواجهه با نا محرم و در نماز به شرح زیر است:

۳-۱-۱- پوشش در مقابل نامحرم

مشهور از فقهای امامیه، پوشانیدن همه بدن، جز صورت و دستها (اصطلاحاً کفین) را در برابر نامحرم واجب می دانند و مهمترین دلیل آنها آیه: «لَا یُبْدِینَ زینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» می باشد. (طباطبایی یزدی، ج ۱، ص ۵۵۰؛ حایری، ج ۱، ص ۱۳۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۸۵؛ سید حکیم، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۶۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲) علامه نیز در تذکره الفقهاء کتاب الصلاه می فرماید: «جميع بدن زن عورت است جز چهره به اجماع جمیع علما در جمیع شهرها جز ابوبکر بن عبدالرحمن بن هشام که تمام بدن زن را عورت دانسته است و سخن او به حکم اجماع مردود است از نظر علمای شیعه دو دست تا مچ مانند چهره است و عورت نیست. (حلی، ۱۴۱۴ ج ۲، ص ۴۴۶)

۳-۱-۲- پوشش در نماز

فقهاء در مورد حدود پوشش در نماز اتفاق دارند که واجب است زن بالغ و آزاد، تمام بدن خود را در نماز بپوشاند خواه بیننده‌های باشد یا نباشد. لیکن پوشاندن صورت، دست از سرانگشتان تا مچ و بنابر مشهور (از سرانگشتان پا تا مچ) لازم نیست البته بنابر قول وجوب پوشیدن آنها از نامحرم در صورت وجود بیننده نامحرم، پوشیدن آنها نیز واجب خواهد بود. قول مشهور بر استثناء وجه و کفین است (نیجف بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۶؛ حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۷۳؛ طباطبایی یزدی، ج ۱، ص ۵۵۰؛ آراء المراجع فی الحج، ج ۱، ص ۲۸۷) صاحب عروه پوشاندن چیزی از اطراف این مستثنیات را از باب مقدمه واجب می داند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۵۱)

اما اختلاف در قدمین است و در باطن قدمین و نیز در پاشنه ی پا؛ شهیدثانی در کتاب مسالک الافهام میگوید: "سزاوار است که پاشنه پا پوشیده شود".^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۳ه.ق، ج ۱، ص ۱۶۷) آیت الله بروجردی در المحشی عروه الوثقی در باب کف پا در زنان قائل به این قول هستند که، احتیاطاً پوشیده باشد. «الاحوط ستر باطن القدمین» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ج ۲ ص ۳۱۹)

بنابراین در اکثر منابع فقهی، فقهاء معمولاً احکام یکسانی برای پوشش در این دو وضعیت (ستر صلاتی و در برابر نا محرم) مطرح می کنند.

۳-۲- ستر صورت در غیر احرام از منظر علمای مذاهب چهار گانه

می دانیم که احکام پوشش مربوط به زن یا ناظر به وظیفه او در ارتباط با نامحرم است و یا ناظر به وظیفه او در ارتباط با نماز است. در این قسمت دیدگاه فقههای اهل تسنن در زمینه اصل لزوم پوشش و محدوده آن با توجه به آیات، روایات و استنباط های فقها مورد بررسی قرار گرفته و دلایل و مبانی آن مطرح می شود.

۳-۲-۱- پوشش در مقابل با نا محرم

الف) شافعی که یکی از علمای اهل تسنن می باشد می نویسد: زنان باید همه بدن، غیر از چهره، دستها و پاها را بپوشانند.^۲ (شافعی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۹)
ب) برخی از فقههای حنفی نیز همان نظر شافعی را دادند. (مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶۴۹؛ کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵)

ج) مالکیها چهره و میج دستها را از پوشش استثناء کردهاند.

د) برخی از علمای حنبلی چهره و دست را استثناء کردند ولی بیشتر آنان پوشش تمام زن غیر از صورت را واجب دانسته اند و برخی هم آشکار شدن دست ها را اجازه نداده یا حداقل در آن تردید کردند. (ابن قدامه، بی تا، ج ۱، ص ۵)

۱ والاوی ستر العقب

۲ "وَكُلَّ الْمَرْأَةِ عَوْرَهُ إِلَّا كَفَّيْهَا وَ وَجْهَهَا وَ ظَهْرَ قَدَمَيْهَا"

۳-۲-۲- پوشش در نماز

جواد مغنیه در فقه مذاهب خمس می نویسد: "همه ی مذاهب اتفاق نظر دارند که بر زن و مرد واجب است که در حال نماز بدن خود را بپوشانند همانطور که در غیر نماز می پوشانند. اختلاف فقط بر سر این موضوع است که آیا در حال نماز صورت و دستها هم پوشیده باشد و یا خیر؟ قال الحنفیة: "على المرأة ان تستر ظاهر الكفين وباطن القدمين ايضاً" «بر زن واجب است کفین و باطن قدمین را همچنین بپوشاند» و قال الشافعية: "يجوز للمرأة حين الصلاة ان تكشف عن الوجه و الكفين ظاهرهما و باطنهما." "و قال الحنابلة: "لا يجوز لها الا كشف الوجه فقط" «برای زن جایز نیست مگر اینکه فقط صورتش را آشکار کند. (مغنیه، ۱۴۲۱، ص ۶۸) مالک بن انس نیز معتقد است "اذا صلت المرأة وشعرها باد او صدرها او ظهور قدميها فلتعد الصلاة" (مالک، بی تا، ج ۱، ص ۹۴) «اگر زنی هنگام نماز سر و سینه اش پیدا باشد یا پشت پایش پوشیده نباشد نماز را اعاده کند».

در این رابطه برخی از فقهاء به آیه زینت (سوره نور، آیه ۳۱) استناد می کنند. (اندلسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۵؛ مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۶۹؛ سید سابق، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۷). زیرا آیه به اصل لزوم پوشش و مقدار آن اشاره می کند؛ البته اختلاف هایی بین فقهاء در این بحث وجود دارد که ابن رشد اندلسی تصریح می کند: «و سبب الخلاف في ذلك احتمال ذلك في قوله تعالى "وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا" (اندلسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۵)

برخی دیگر، برای استثنای چهره، علاوه بر آیه زینت (سوره نور، آیه ۳۱)، به روایت منقول از پیامبر اسلام (ص) استناد کرده اند: «نهی النبی (ص) عن لبس القفازين والنقاب...» (مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۶۹؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۱۲) ایشان زنان را از نقاب زدن در حال احرام نهی نمودند؛ این روایت هر چند به حالت احرام اشاره دارد، اما اگر پوشش چهره واجب بود، حضرت در هیچ حالتی، کشف آن را اجازه نمی دادند.

لذا بسیاری از فقهاء برای عدم وجوب پوشش چهره، به قاعده «حرج» و «لزوم مشقت» در پوشش و نیاز زن به رفتارهای متعارف اجتماعی برای باز بودن چهره، استناد کرده اند. (شربینی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۳؛ حرانی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۵؛ سائیس، بی تا؛ ص ۵۸۴) به همین استدلال بسیاری از فقهاء، پوشش مچ دست ها را هم لازم نمی دانند،

هرچند ابن قدامه از فقه‌های حنبلی معتقد است دست‌ها جزو عورت است و باید پوشیده شود، چون ضرورت و نیازه آن اندازه نیست که به صورت اضافه شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۵)

بنابراین تمام فقه‌های اهل سنت، اصل وجوب پوشش بدن زن را واجب شمرده و بر آن ادعای اجماع نموده‌اند. (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۷۳۹؛ حرانی، ۱۴۱۳ق: ص ۲۵۹). تا آن جا که حنبلی‌ها حتی در حالت خلوت و نبودن نامحرم هم پوشش زن را لازم می‌دانند. (حرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۲۵۹؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۵) زیرا برخی از ادله پوشش زنان عام است و همه حالت‌ها را شامل می‌شود، مانند روایت از ابن عمر آمده: «یاکم و التعری فان معکم من لا یفارقکم» (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ص ۱۹۹) از عریان شدن بپرهیزید، چرا که خداوند همیشه همراهتان است.

و هم چنین علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت پوشش چهره را لازم نمی‌دانند حتی محمد بن عبدالوهاب، مؤسس مذهب وهابیت، با همه سخت‌گیری‌ها تصریح می‌کند: پوشش چهره زن لازم نیست: «و الحرّة کلها عورة الا وجهها» (عبدالوهاب، بی‌تا: ج ۱، ص ۵) اما در مورد پوشش قدم‌ها هر چند به عنوان یک نظریه در میان حنفی‌ها مطرح شده است (شوکانی، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۵۵؛ ابن حزم، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۰؛ رعینی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۱۸۱؛ زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۷۳۹). اما برخی معتقدند عسر و حرج در مورد پا بیشتر از مچ دست می‌باشد، به ویژه در مورد زنان روستایی و فقیر که برای امرار معاش نیاز به تردد در بیرون از خانه دارند. (سایس، بی‌تا: ص ۵۸۶) ولی برخی تصریح کرده‌اند، مقصودشان فقط در حال نماز است. (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۷۳۹)

بنابراین مذاهب چهارگانه اهل تسنن پوشش همه بدن زن را غیر از چهره، دست‌ها و قدم‌ها، در نماز و در برابر

مرد نامحرم واجب می‌دانند و فقها هم فتوا داده‌اند که باز بودن چهره مانعی ندارد. در ذیل به بررسی نظر فقها در مورد ستر صورت زن محرم پرداخته می‌شود.

۴- ستر صورت زنان در احرام

دیدگاه علمای امامیه و اهل تسنن همراه با ادله روایی در رابطه با ستر صورت زنان محرم، به شرح ذیل می باشد.

۴-۱- ستر صورت زنان در احرام از منظر فقهای شیعه امامیه

با بررسی نظرات فقهای امامیه در موضوع ستر صورت زنان در حال احرام با دو نظر مواجه میشویم؛ بیشتر فقهای شیعه حکم به حرمت ستر صورت در این شرایط حتی با پوشش خاصی به نام نقاب نموده‌اند اما عده‌ای ستر صورت زن محرم توسط نقاب را مکروه دانسته‌اند. بنابراین، در این قسمت نظر فقهاء امامیه در مورد ستر صورت زنان محرم مورد بررسی قرار می گیرد.

۴-۱-۱- حکم حرمت ستر صورت زنان در احرام

پس از بیان قول و فتوای برخی فقهای شیعه در مساله به بیان ادله آن ها خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱-۱- اقوال فقهاء

پوشاندن صورت یکی از محرمات احرام شمرده شده و همانطور که بیان شد فقهاء آن را با عناوینی مانند تغطیة الوجه، تخمیر الوجه و ستر الوجه تعبیر کرده اند. در باور اکثر فقیهان امامیه، ستر صورت در حال احرام جایز نیست. (محمدباقر السبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۰۵؛ المحقق الاردبیلی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۵۱؛ علامه حلی ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۳۹، الفاضل الهمدانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۳۹۳؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۷۹؛ غنیه النزوع، ۱۴۱۷، ص ۱۵۹)

و به تعبیر دیگر، ا سفار (آشکار کردن) صورت واجب است. و عده ای از فقیهان این حکم را اجماعی دانستند و فرمودند که جایز نیست زنان صورتشان را بپوشانند. (حلی، ج ۱۲، ص ۳۳۷؛ نجفی، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۳۸۵؛ بحرانی، ج ۱۵، ۱۴۰۵، ص ۱۲۹)

صاحب حدائق الناظره (بحرانی، ج ۱۵، ۱۴۰۵، ص ۱۲۹) مینویسد: کشف وجه محرم اجماعی است و جایز نیست صورتش را بپوشاند همانطور که در المنتهی آمده: برای زن

جایز نیست که صورتش را در حال احرام بپوشاند و آن قول پیامبر صلی الله علیه وآله است: «احرام مرد در سرش و احرام زن در چهره‌هاش» است. (حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۲۹۶)

علامه جوادی آملی نیز می نویسد: "حصر در روایت "المحرمة لاتتنقب؛ لأنّ إحرام المرأة فی وجهها، و إحرام الرجل فی رأسه" (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ب ۴۸) حصر اضافی است و معنایش این است که احرام مرد در سرش است که مختص مرد است و شامل زن نمی شود و برعکس. بحث از صدر روایت، دلالت بر منع نقاب بر زن دارد که به ادامه روایت موکول شده است. تعجب از صاحب جواهر است چگونه به این امر توجه نکرده و غفلت نموده و مناقشه در روایت یحیی بن علا نموده (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۳۹۰) به خاطر عدم اجتماع آن با شرائط حجیت^۱ (یحیی بن ابی العلاء از امام صادق (ع) روایت می کند که امام می فرماید: دستکش و روبند برای زن محرم حرام است) (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۳۹۰) مانند: روایت ابی عیینه،^۲ (روبند، دستکش و حریر بر زن محرم حرام است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ب ۳۳)

[کتاب الحج جلد ۲ - صفحه ۴۲۵] لذا حرام بودن روبند قطعی است. به جهت داخل شدن آن تحت عموم منع و مناقشه در خبر ابن ابی علاء به این است که علاء ثقه است اما ابن ابی العلاء ثقه نیست پس از روایت او نمی توان برای پوشش صورت زن محرم بهره جست و فرع به عموم منع می باشد. (جوادی آملی، جلد ۲، صفحه ۴۳۱)

آیت الله شبیری معتقدند، ستر شرط صحت افعال حج نیست. ستر همه بدن زن غیر از صورت و دو دست واجب است ولی ستر صورت، شرط صحت افعال حج مانند صلوه احرام و طواف نمی شود. (الشیخ علی الافتخاری، ج ۱، ص ۲۸۵)

۱ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّهُ كَرِهَ لِلْمُحْرِمَةِ الْبُرْقُعَ وَالْقَفَازَيْنِ.

۲ ما رواه سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد بن محمد أو غيره، عن داود بن الحصين، عن أبي عيينة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سألته ما يحل للمرأة أن تلبس وهي محرمة؟ فقال: «الثياب كلها، ما خلا القفازين والبرقع والحرير»، قلت: أتلبيس الخرز؟ قال: «نعم»، قلت: فإن سداه إبريسم وهو حرير، قال: «ما لم يكن حريراً خالصاً فلا بأس».

آیت الله خامنه ای می نویسد: بر زن محرم ستر تمام صورت حرام است و مانعی از ستر اطراف صورت نیست بطوری که ستر صورت به آن صدق نکند چه در نماز یا غیر نماز و چه اطراف از سمت بالا یا پایین و غیر این دو باشد.^۱ (همان، ج ۱، ص ۲۸۶)

۴-۱-۱-۲- ادله روایی حکم حرمت ستر صورت زن محرم

از جمله پشتوانه های روایی فقها برای حکم حرمت ستر صورت زن محرم، دو روایت زیر است.

امام باقر(ع) می فرماید: زن محرم نقاب نمی زند زیرا احرام زن در صورتش و احرام مرد در سرش است.^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱۲، ص ۴۹۳)

امام صادق (ع) می فرماید: زن خانه خدا را طواف نمی کند درحالی که نقاب دارد.^۳ (همان، ص ۴۹۵)

روایات متعدد دیگری نیز در موضوع پوشش صورت زن محرم وجود دارند که به تفصیل بیشتر حکم پرداخته و برخی جزئیات را در این زمینه مطرح میکنند که بدین شرح میباشد:

الف- حرمت پوشش صورت زن محرم با دست: امام صادق (ع) می فرمایند: زن محرم نباید صورتش را با دست از خورشید بپوشاند.^۴ (همان)

ب- حرمت پوشش صورت با بادبزن: امام باقر علیه السلام به زنی محرم برخورد کرد که چهره خود را بادبزی پوشانده بود حضرت علیه السلام خودش آن را از صورت وی کنار زد. (صدوق، ۱۴۰۹، ج ۲۲، ص ۲۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱۲، ص ۴۹۳)

۱ یحرم علی النساء ستر تمام الوجه نعم لا مانع من ستر أطرافه حیث لا یدق معه ستر الوجه سواء کان ذلک فی الصلاة أم فی غيرها وسواء کان ذلک الطرف من الجهة العليا أو السفلی للوجه أم غیرهما.

۲ مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِثْمُونٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: الْمُحْرِمَةُ لَا تَتَنَقَّبُ لِأَنَّ إِحْرَامَ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا - وَ إِحْرَامَ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ. وَ رَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي الْمُفْتَعَةِ مُرْسَلًا وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِثْمُونٍ عَنْ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ ع مِثْلَهُ

۳ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ ابْنِ أَبِي غَمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَطُوفُ الْمَرْأَةُ بِالْبَيْتِ وَ هِيَ مَتَنَقِّبَةٌ

۴ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُحْرِمَةِ فَقَالَ ... وَ لَا تَسْتَتِرُ بِيَدِهَا مِنَ الشَّمْسِ.

شیخ صدوق همین حدیث را با کمی تغییر آورده است: امام (ع) با شاخه بریده ای بادبزن را دور کرد.^۱ (همان، ص ۴۹۴)

ج- حرمت پوشش صورت از پایین صورت تا بینی: صحیح هاشم بن حکم از ابی عبدالله (ع): برای محرم مکروه است که لباسش را روی بینی اش از سمت پایین صورت بیندازد و واضح تر این است که حرام می باشد. (همان، ص ۴۹۳)

آیت الله گلپایگانی در تحلیل این روایت چنین بیان می دارند که "قد حمل المستدل الکراهة فی الروایة علی التحريم كما انه استفاد من الأمر وجوب الاضحاء، و عدم جواز ستر الوجه؛ استدلال کننده حمل می کند کراهت در روایت را به تحریم همانطور که از امر، وجوب اضحاء را و عدم پوشش صورت را استفاده کرد". (گلپایگانی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲، ص ۲۰۵)

۴-۱-۱-۳- ادله روایی استثنائات حکم حرمت ستر صورت زن محرم (جواز ستر)

در فقه شیعه بر اساس ادله روایی برخی موارد از حکم عام حرمت، استثناء شده است که در ذیل به بررسی آنها میپردازیم.

الف- مواجهه با نامحرم: پوشش صورت زن محرم جایز نیست مگر به ضرورت و آن هنگامی است که اجنبی به صورت زن نگاه کند پس جایز یا واجب است انداختن روی صورت، زیرا زن عورت است، سترش در مقابل مردان اجنبی لازم است. (گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۱۵) و دلیل آن نیز روایتی از امام صادق (ع) وارد شده است که می فرماید: مردی از امام صادق (ع) درباره زن محرمی سؤال کرد امام فرمود: اگر بر زن محرمی مردی بگذرد زن خودش را با لباس استتار کند و نباید صورتش را با دست از خورشید بیوشاند.^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱۲، ص ۴۹۳-۴۹۵)

۱ وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: مَرَّ أَبُو جَعْفَرٍ ع بِامْرَأَةٍ مُحْرَمَةٍ - قَدْ اسْتَتَرَتْ بِمِرْوَحَةٍ - فَأَمَاطَ الْمِرْوَحَةَ بِنَفْسِهِ عَنْ وَجْهِهَا. رَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا إِلَّا أَنَّهُ قَالَ فَأَمَاطَ الْمِرْوَحَةَ بِقَضِيْبِهِ.

۲ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُحْرَمَةِ فَقَالَ: إِنْ مَرَّ بِهَا رَجُلٌ - اسْتَتَرَتْ مِنْهُ بِثَوْبِهَا وَ لَا تَسْتَتِرُ بِيَدِهَا مِنَ الشَّمْسِ.

ب- جلو گیری از آزار حشرات: صحیحه از علی بن جعفر است که می گوید: از برادرم سؤال کردم از مرد محرمی که آیا شایسته است، لباسش را از آزار مگس روی صورتش بیاندازد و بخوابد؟ امام فرمودند: اشکالی ندارد و هم چنین روایت زراره از امام باقر(ع) است که: می گوید از امام پرسیدم: کسی که محرم است مگس او را هنگام خواب عذاب می دهد آیا صورتش را بپوشاند؟ امام فرمود: بله ولی سرش را نپوشاند و زن محرم با این که کل صورتش را هنگام خواب بپوشاند اشکالی ندارد^۱. (همان، ص ۵۱۰)

بعد از ملاحظه ذیل روایت که مجوز ستر صورت زن را در خواب همراه با حرمت پوشش صورت زن در حال اختیار می دهد. مجالی برای توهم عدم دلالت استدلال بر منع از ستر صورت نیست.

بر این اساس مرحوم آیه الله گلپایگانی می نویسد: «آنچه دلالت می کند بر جواز انداختن چیزی روی صورت هنگام خواب از ترس پشه یا مگس ممکن است مفاد آنها مواردی است که استثنا از عامی است که دلالت بر حرمت پوشش دارد. اما دلیل پوشش صورت هنگام خواب در صحیحه زراره آن است که: پوشش کل صورت زن محرم در حال خواب جایز است و اشکالی ندارد». (گلپایگانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۵)

د- اسدال: «اسدال» از ریشه «سدل» به معنای رها کردن و آویزان کردن پوشاننده از بالا به پایین برای پوشاندن است. (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۷۲۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۳)

فقیهان، این واژه را بیشتر به معنای آویزان کردن پارچه‌ای از بالای سر تا پایین صورت با فاصله برای پوشاندن آن می دانند (حلی، ج ۸، ص ۷۷؛ الکرکی، ج ۳، ص ۱۸۶) اصل مسأله اسدال مورد اجماع قرار گرفته است و فقها بر جواز آن فتوا داده اند. (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۳۹۱؛ ریاض المسائل، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۱؛ صاحب مسـتند، ۱۴۱۵، ج ۱۲، ص ۳۹؛ مدارک الاحکام، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۶۰؛ خویی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۸۸)

روایات متعددی در زمینه محدوده و شرایط جواز استدلال وجود دارد:

روایت اسدال تا چانه

۱ صحیحۀ علی بن جعفر عن أخیه قال سألته عن المحرم هل یصلح له ان یطرح الثوب علی وجهه من الذباب و ینام قال: لا بأسو روایة زرارۀ عن ابی جعفر (ع) قال قلت المحرم یؤذیه الذباب حین یرید النوم یغطی وجهه، قال: نعم و لا یخمر رأسه و المرأة المحرمة لا بأس بأن یغطی (حر عاملی، الجزء ۹ الباب ۵۹ من تروک الإحرام الحدیث ۳)

امام صادق (ع): زن محرم لباس را روی صورتش تا چانه بیاندازد.^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱۲، ص ۴۹۳)

روایت اسدال تا گلو

امام صادق (ع): زن محرم لباسش را تا بالای سینه اش بیاندازد. (زیر گلو) (همان، ص ۴۹۵)

روایت اسدال تا گلو هنگام سواره

در صحیحہ معاویه بن عمار آمده که امام صادق (ع) می فرمایند: زن محرم زمانی که سواره است، لباسش را بر صورتش از بالای صورت تا زیر گلو بیاندازد.^۲ (همان، ص ۴۹۴) بررسی روایات اسدال:

مرحوم بحرانی می نویسد: ظاهر اطلاق این روایات عدم وجوب برخورد لباس (جامه) به صورت است—آویختن پارچه‌ای از بالای سر به پایین به ویژه اگر تماس با صورت نداشته باشد. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۱۳۲)

همچنین، روایات اسدال ناظر به سلسله مراتب پوشش است. در یک مرحله تا بینی و در مراحل بعدی تا پائین ترا اجازه داده شده است. چون این روایات مراتب جواز را بیان می کند از این رو مفهوم ندارد و تعارضی بین آنها وجود ندارد. ثانیاً در مواردی اسدال بیان شده است که نامحرمی وجود دارد و نگاه میکند و الا اگر نامحرمی نباشد اسدال مفهوم ندارد و دلیل بر آن روایتی از عایشه وارد شده است که می گوید: وقتی نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودیم و اجنبی رد می شد چادرها را پائین می کشیدیم و وقتی می رفت بالا می زدیم. (مالک بن انس، بی تا، ج ۱، ص ۹۴)

مرحوم آیه الله گلپایگانی در حاشیه تهذیب به طبع قدیم می نویسد: همه علما معتقدند احرام زن در صورتش است پس چاره ای نیست حمل روایت را بر موارد ضروری نماییم و بعید نیست ظاهر روایت زراره از امام باقر (ع) در مورد آزار حشرات حین خواب را حمل بر سدل نماییم زیرا زن هنگام بیداری با دست و بادبز یا انداختن چیزی، خود را از نگاه اجنبی می پوشاند اما در حالت خواب در معرض نگاه است. لذا

۱ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرْبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْمُحْرِمَةُ تَسْدُلُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا إِلَى الدَّقَنِ.

۲ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: تَسْدُلُ الْمَرْأَةُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا - مِنْ أَغْلَاهَا إِلَى النَّحْرِ إِذَا كَانَتْ رَاكِبَةً.

بعید نیست که پوشاندن صورت زن جایز باشد به جهت حفظ خویش از نگاه مردان اجنبی. بلکه اگر زن در خانه باشد، اصلاً نگاهی به سایش صورت نمی‌گیرد و پوشاندن صورتش جایز نیست. (گلپایگانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۵)

برخی روایاتی هم که دلالت بر جواز پوشش صورت زن محرم دارند توسط فقها بر مورد سدل حمل شده‌اند، برای مثال نقل شده است که از اسماء روایت شده که وی صورتش را در حال احرام پوشانده بود. (ابن قدامه، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۱۱- ابن مالک، ج ۱، ص ۳۲۸- حدیث ۱۶)؛ بنابراین، احتمال دارد که "اسماء" صورت خویش را با سدل در هنگام ضرورت پوشانده باشد و با اصل حکم که "پوشش زن هنگام احرام حرام است" مخالفتی نداشته باشد.

۴-۱-۲- حکم کراهت ستر صورت زن محرم با نقاب و ادله آن

مرحوم نجفی در جواهرالکلام (ج ۱۸، ص ۱۴۱۲، ۴۳۰ه) مینویسد: آنچه مورد تردید و اختلاف است موضوع نقاب است ایشان آن را در ردیف مکروه برای زن محرم آورده و تعبیر خویش را بر تردد نشان داده است. منشأ تردید را دو روایت بیان نموده که در ذیل بیان می‌شود. برخی دیگر نقاب زدن در حالت احرام را با تعبیر کراهت بیان نمودند (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۴۰، ۴۲۰ه ق؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۱۳۲)

ادله و مبنای حکم فقهی این علماء روایاتی است که در ذیل به آنها اشاره میشود.

الف- عیص بن قاسم از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام می‌فرماید: نقاب داشتن زن محرم مکروه است و فرمود جامه را روی صورتش بیاندازد گفتم حد آن تا کجاست فرمودند: تا کنار بینی به اندازه ایکه ببیند.^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۰۳) صاحب وسائل می‌گوید: مراد از کراهت، تحریم است. (همان، ص ۴۰۴)

ب- یحیی بن ابی العلاء نقل می‌کند امام صادق (ع) می‌فرماید: برای زن محرم روبند و دستکش کراهت دارد.^۲ (همان، ص ۴۹۵)

۱ وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ كَرِهَ النَّقَابَ يَعْنِي لِلْمَرْأَةِ الْمُحْرِمَةِ - وَ قَالَ تَسْدُلُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا - قُلْتُ حَدُّ ذَلِكَ إِلَى أَيْنَ - قَالَ إِلَى طَرَفِ الْأَنْفِ قَدْرَ مَا تُبْصِرُ.

۲ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّهُ كَرِهَ لِلْمُحْرِمَةِ الثَّرْفُوعَ وَ الثَّقَازِينَ.

ج- امام صادق علیه‌السلام: می فرمایند: زن در حال احرام حریر و دستکش نپوشد همچنین پوشیدن نقاب نیز کراهت دارد.^۱ (کافی، ج ۴، ص ۳۰۶)

در روایت اول امام (ع) درباره نقاب تعبیر به «کره» را بکار برده است. نشان می‌دهد که نقاب که یک نوع پوشش صورت است را استثنا کرده‌اند.

باید در بررسی نظر این دسته از علما بر حکم کراهت استفاده از نقاب توسط زن محرم، به پاسخ و توجیه دیگر فقها در مورد دسته روایات مستند حکم ایشان توجه نمود.

فقه‌های دیگر با توجه به روایات صحیح و قابل اعتماد حرمت ستر صورت زن محرم، با حمل کراهت این دسته از روایات بر حرمت که امری شایع در روایات است، تعارضی میان احادیث ندیده و نقاب را نیز حرام شمرده‌اند. (خوانساری، ۱۴۰۵، ق، ج ۲، ص ۱۴۰، ۴۲۰، ق؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ق، ج ۱۵، ص ۱۳۲)

۴-۳- ستر صورت زنان در احرام از منظر مذاهب اربعه

نظر امامان مذاهب چهار گانه که عبارتند از: مالکی، شافعی، حنبلی و حنفی در رابطه با ستر زن محرم، در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۳-۱- فقه مالکی

مالک بن انس در رابطه با ستر زن محرم می‌گوید: "زن احرامش در صورتش است، ولی اگر نیاز پیدا کرد، صورتش را می‌تواند بپوشاند.^۲ دلیل‌هایی که وی برای آن اقامه کرده عبارت است از:

۱ «المرأه المحرمه تلبس ما نساء من الثياب غير الحرير و القفازين و کره النقاب
 ۲ «وَالْمَرْأَةُ إِحْرَامُهَا فِي وَجْهِهَا ، فَإِنْ اِخْتَأَجَتْ سَدَلَتْ عَلَى وَجْهِهَا (وَجُمِلَتْ ذَلِكَ أَنَّ الْمَرْأَةَ يَحْرُمُ عَلَيْهَا تَغْطِيَةُ وَجْهِهَا فِي إِحْرَامِهَا ، كَمَا يَحْرُمُ عَلَى الرَّجُلِ تَغْطِيَةُ رَأْسِهِ . لَا نَعْلَمُ فِي هَذَا خِلَافًا ، إِلَّا مَا رَوَى عَنْ أَسْمَاءَ ، أَنَّهَا كَانَتْ تُغْطِي وَجْهَهَا وَهِيَ مُحْرِمَةٌ .

۱- از اسماء روایت شده است: زن صورتش را در حالی که محرم است بپوشاند ". با وجود این روایت احتمال دارد زن محرم در صورت نیاز، بتواند صورتش را بپوشاند که در این صورت اختلافی وجود ندارد.

۲- از عایشه روایت شده است که می گوید: " کاروان بر ما گذشت و ما همراه رسول اکرم (ص) محرم بودیم وقتی که به محاذات ما رسیدند یکی از جلبابیهان را بر صورتمان انداختیم و وقتی که از کنار ما گذشتند جلبابمان را از صورتمان کنار زدیم." که به نقل از ابوداود و اثرم روایت شده است.^۱

ابن منذر نیز می گوید: کراهت داشتن روانداز نزد سعد و ابن عمر و ابن عباس و عایشه ثابت است و احدی در آن مخالفی ندارد.

در بخاری و دیگر کتب نیز روایت شده است: پیامبر(ص) می فرمایند: "زن محرم نقاب نزنند و دستکش نپوشد ". اما هنگامی که نیاز به پوشاندن صورتش باشد به جهت عبور مردان در حالی که نزدیک به او هستند، ثوب را از بالای سر بر صورتش بیاندازد. و همین مطلب از عثمان و عایشه نیز روایت شده است. و عطاء و مالک و ثوری و شافعی و اسحق و محمد بن حسن نیز گفتند.

مالک بن انس دلیل آن را این گونه بیان می کند: "زیرا ستر صورت برای زن نیاز است، بنابراین بر زن محرم به صورت مطلق ستر صورتش مانند عورت، حرام نیست. قاضی بیان می کند که لباس از صورت باید فاصله داشته

باشد به طوری که به پوست نچسبد و اگر چسبید و آن را برداشت یا به سرعت برداشت، اشکالی ندارد. همانطوری که باد لباس را از عورت نماز خوان کنار بزند سپس نماز گزار به سرعت لباس را روی عورت بیاندازد نمازش باطل نمی شود". (مالک بن انس، ۱۴۰۶، ج ۱ ص ۳۲۷)

۴-۳-۲- فقه شافعی

یکی از چیزهایی که بر زن حرام است، پوشش صورت وی در حال احرام است که به آن ستر می گویند. اما پوشاندن صورت با دست بدلیل عدم اطلاق ساتر به آن، حرام نیست.

۱ كَانِ الرُّكْبَانُ يَمُرُّونَ بِنَا ، وَنَحْنُ مُحْرِمَاتٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا خَازُونَا ، سَدَلَتْ إِحْدَانَا جِلْبَابَهَا مِنْ رَأْسِهَا عَلَى وَجْهِهَا ، فَإِذَا جَاوَزُونَا كَشَفْنَاهَا

همچنین در هنگام خواب، قرار دادن پوشش روی صورت زن محرم، جایز است. پوشاندن سر بر زن محرم واجب است و چنانچه مقداری از صورت نیز در هنگام پوشاندن سر، پوشیده گردد، بلاشکال است. ستر صورت زن محرم همراه با فدیة، زمانی واجب می شود که از فتنه بترسد.^۱ در این صورت می تواند پارچه ای را روی صورتش بیاندازد که به صورتش نچسبد و فضایی را با چوب و مانند آن بین صورت و پارچه ایجاد کند. اگر بر صورت بدون اختیار پارچه افتاد و فوری بردارد فدیة بر زن لازم نیست ولی اگر فوراً بردارد، فدیة بر او واجب می شود. از عایشه روایت شده است که وقتی که روان بر ما عبور می کرد و ما همراه با رسول خدا ص بودیم و در حالی که محرم بودیم یکی از جلبابهایمان را از سر بر صورتمان می انداختیم و وقتی که کاروان می گذشت جلباب را از صورت بر می داشتیم." (أبوداود، ج ۲، کتاب المناسک باب ۳۴، ص ۱۸۳۳) و حرام است بر زن القناع، یعنی پوشاندن قسمتی از صورتش به خاطر نهی پیامبر (ص) از آن در حدیثی که قبلاً ذکر کردیم: "... زن محرم نباید نقاب بزند و نباید دستکش بپوشد..." مانعی نیست که عینک طبی استفاده کند زیرا قصد او از استفاده از عینک برای دیدن است نه قصد پوشش، اما عینک ضد آفتاب، نباید استفاده کند. (فقه العبادات شافعی، ج ۱، ص ۷۲۳)

۴-۳-۳- فقه حنبلی

در کتاب عبادات فقه حنبلی در مورد محرمات احرام آمده است آنچه که بر زن حرام می باشد:

۱- پوشاندن صورت با آنچه که ساتر شمرده می شود، اما با آنچیزهای که ساتر شمرده نمی شود، مانند قرار دادن دست روی صورتش، حرام نمی باشد. بر زن واجب است بعضی از قسمت صورتش را بپوشاند زمانی که همه سر با پوشاندن قسمتی از

۱ و تجب علیها لفدیة عن کل مرة تستر فیها وجهها ثم ترفع هذا عند الشافعیة أما عند السادة الحنفیة فلا تجب الفدیة و هی الذبح إلا إذا سترت یوماً كاملاً أما إذا لم یتم الیوم و هی ساترة فإنهی کفیها صدقةً لذلك الأولى لذوات الهیئات أن یقلدن مذهب الإمام أبی حنیفة

نزد شافعی این است که بر زن واجب است هر بار که صورتش را می پوشاند سپس باز می کند فدیة دهد. اما نزد بزرگان حنفی این است که: فدیة یعنی ذبح واجب نیست مگر هنگامی که یک روز کامل صورت را بپوشاند ولی زمانی که یک روز کامل از پوشش صورت زن محرم نگذشته باشد، کافی است که صدقه دهد....

صورت حاصل نشود و اگر از فتنه بترسد واجب است صورتش را بپوشاند به خاطر روایت عایشه که قبلاً بیان گردید. در کتاب تهذیب نیز موارد مزبور ذکر شده است. (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۵ ص ۳۰۸)

۲- پوشیدن دستکش بر زن محرم حرام است، زیرا احرام زن به صورتش و دو دستش است زیرا ابن عمر از پیامبر (ص) شنید که: زنان را در احرام از نقاب و دستکش نهی نمود.

۳- رنگ قرمز و زعفرانی کردن لباس ولی بعد از احرام هر آنچه که دوست دارد از پوشیدن لباس رنگی و خز و زیور و شلوار و پیراهن (عبدالله ابن قدامه؛ بی تا ج ۳، ص ۳۰۶-۳۰۴)

۴-۳-۴- فقه حنفی

امام حنفی معتقد است لباس دوخته شده و لباسی که زن به آن عادت دارد، برای زن محرم جایز است ولیکن پوشش صورت زن محرم با ساتری که پوستش را لمس کند حرام است. اما اگر ساتر، صورتش را لمس نکند، بلامانع است. به استناد روایت ابن عمر از پیامبر (ص): "(ولا تنتقب المرأة المحرمة ولا تلبس القفاز...)"

همچنین در فقه حنفی آمده است که عدم پوشش دستکش برای زن محرم مستحب است. در کتاب المبسوط نیز موارد مزبور ذکر شد است. (وهبه الزحیلی ۱۴۳۱ج، ۱، ص ۳۴۹-۳۵۰ طوسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۷)

۵- فلسفه تحریم ستر صورت برای زن محرم

با توجه به اینکه اسلام برای حجاب مقام و منزلتی والا قائل است، علیرغم این منزلت، در مساله پوشش صورت در حال احرام دیدیم که طبق نظر شیعه و تمام فقه‌های مسلمان ستر صورت حکمی متفاوت دارد. اما باید توجه نمود که احکامی که در مورد حجاب در نماز و غیر نماز آمده با حکم حرمت ستر صورت زن محرم منافات ندارد، زیرا زن مسلمان در احرام هم نباید تعمداً خود را در معرض نامحرم قرار دهد؛ اما دلیل لازم نبودن ستر صورت در احرام را در امور دیگری باید جستجو کرد که برخی از آنها در روایات اشاره شده است. ضمن این که دلایل دیگری نیز در این مورد قابل ارائه است.

۱-۵- دلایل روایی

از متن برخی روایات می توان فلسفه حرمت ستر صورت زن محرم و یا وجوب عدم ستر صورت برای او را استخراج نمود، برای مثال روایات زیر می توانند ما را در رسیدن به فلسفه این حکم راهنمایی کنند.

الف- امام صادق علیه السلام بر زن محرمی عبور کرد در حالی که نقاب زده بود گفت صورتت را باز بگذار لباس را از بالای سرت بپنداز اگر نقاب بزنی رنگ صورت تو تغییر نمی کند- مردی گفت تا کجا بیاندازد لباسش را امام فرمودند: بپوشاند چشمانش را گفتم برسد به دهانش؟ فرمود: بله.

ب- امام باقر علیه السلام فرمود: «زن در حال احرام، نقاب و روبند نزنند زیرا احرام زن در صورت او و احرام مرد در سر اوست» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱، ص ۴۹۳)
ج- امام باقر علیه السلام فرمود: «زن در حال احرام، نقاب و روبند نزنند زیرا احرام زن در صورت او و احرام مرد در سر اوست» (همان، ج ۴، ص ۳۴۶)

د- درباره فلسفه بازبودن صورت زن، امام صادق علیه السلام به زنی فرمود: فَإِنَّكَ إِن تَنَقَّبْتَ لَمْ يَتَغَيَّرْ لَوْنُكِ (همان، ج ۴، ص ۳۴۴) همانا اگر تو نقاب و روبند بزنی رنگ صورتت تغییر نمی کند. بنابر این همانطور که واضح است روایات، فلسفه حکم را بیان می کند و دلالت بر حرمت ستر صورت زن محرم می کند.

۲-۵- دلایل عقلی

علما دلائل عقلی متعددی را به عنوان فلسفه وجوب عدم ستر صورت زن محرم ذکر کرده اند که نشان دهنده استنباط شخصی افراد است که به چند مورد آن اشاره می شود.

الف- انسان بین خود و خدایش مانعی ایجاد نماید و یا لازم است در حج افراد شناخته شوند تا تبهکاران با پوشش مخفی در فریضه حج اخلال ایجاد نکنند.
ب- عدم ستر صورت آزمایشی برای مردان است که چقدر بر نفس خود تسلط می کنند.

ج- چشیدن سختی حالت احرام (آملی، ج ۱۲، ص ۱۳۸۰، ۵۸۶ ه.ق)

د-با توجه به این که در برخی موارد مانند تابش مستقیم نور خورشید، عدم ستر صورت سختی محسوب می شود؛ بنابراین برخی فلسفه این حکم را چنین بیان کرده اند که، حج گذار برای رسیدن به لقای الهی و قرب الهی باید آسایش طلبی را ترک کند و مشتاقانه سختی ها را تحمل کند، هرچه سختی ها بیشتر باشد دل بریدن از دنیای مادی آسانتر خواهد شد. (الدمیاطی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۵۹)

نتیجه

بر اساس مبانی و منابع فقه اسلامی، پوشش صورت در حال احرام برای زنان، حرام و آشکار کردن آن، واجب است و بر همین اساس این حکم مورد اتفاق علمای شیعه و اهل سنت میباشد و اصل آن از گفته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشأت گرفته است که فرمودند: «احرام الرجل فی رأسه و احرام المرأة فی وجهها»؛ بنابراین، عمل زنان شیعه در حال احرام در عدم پوشاندن صورت محمول بر صحت است و پیروان سایر مذاهب فقهی نیز بر اساس مبانی و منابع فقه اسلامی ملتزم به این حکم میباشند.

آنچه در موضوع حرمت ستر صورت زن محرم مورد تردید است، موضوع نقاب است که محقق حلی و صاحب جواهر و صاحب جامع المدارک آن را "علی تردد" تعبیر نموده اند و منشأ تردید را روایت صحیح عیص بن قاسم بیان نموده اند. با این حال بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت با حمل کراهتی که در روایت آمده است بر حرمت که امری شایع در روایات است، تعارضی میان احادیث ندیده و نقاب را نیز حرام شمردند.

با این حال در روایات وارد شده است که آویختن پارچه ای از بالای سر به پایین بدون تماس با صورت، مانعی ندارد و بر این اساس این موضوع نیز مورد اتفاق مذاهب است. با این حال، فقهای امامیه و اهل سنت، "اسدال" را زمانی جایز دانسته اند که زن محرم، در محاذی با نگاه نامحرم باشد که پشتوانه حکم اهل سنت، روایتی از عایشه همسر پیامبر (ص) است. (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۸) بنابراین، تعارضی که در روایات وجود دارد بر این اساس تعبیر میشود که زن محرم در حالت اضطرار و در جایی که در معرض دید نامحرم است، ملتزم به "اسدال" شده است و درجایی که نامحرم نباشد، "حرمت پوشش و ستر صورت" وارد است.

منابع

- ۱- الآملی، محمدتقی، مصباح الهدی، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۸۰ ش.
- ۲- ابن حزم، علی بن احمد، المحلّی، دمشق، دار الفكر، بی تا.
- ۳- ابن فارس، احمد بن فارس، مقایس اللغة، محقق هارون عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام اهل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۴- ابن قدامه، عبدالله، عمده الفقه، طائف، مکتب الطرفین، بی تا.
- ۵- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵ ه.ق.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ناشر، دارالفکر، للطاعه والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۷- البخاری، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه.ق.
- ۸- اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان، کوشش عراقی و دیگران، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۹- الافتخاری، علی، آراء المراجع فی الحج، نشر مرجع، ج ۱.
- ۱۰- الاندلسی، محمد بن احمد بن رشد: «بداية المجتهد و نهاية المقتصد»، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۱۱- الاندلسی، محمد بن یوسف: «البحر المحيط»، بیروت، دار الفكر، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ۱۲- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، حدائق الناظره، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسن حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ه.ق.
- ۱۳- ترمذی، محمد، سنن الترمذی، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، کتاب الحج، تقریرات درس آیه الله العظمی سید محقق داماد در باب حج، محقق حجه الاسلام حسین الآزادی.
- ۱۵- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق عطار احمد بن عبدالغفور، بیروت، دارالعلمریال، ۱۳۷۶ ه.ق.
- ۱۶- حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة، موسسه آل البيت علیها السلام، بی تا.
- ۱۷- الحرانی، احمد بن تیمیه، شرح عمده الفقه، ریاض، مکتبه الغیبکان، ۱۴۱۳ ه.ق.

- ۱۸- حلبی، ابن زهره، غنیه النزوع، بکوشش بهاری، قم، موسسه امام صادق(ع)، ۱۴۱۷.
- ۱۹- حلبی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، موسسه النشر الاسلامیه التابعه الجماعه، قم، ۱۳۷۴ش.
- ۲۰- حلبی، محمد بن احمد، ابن ادريس، السرائر، قم، جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۱- حلبی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴.
- ۲۲- خوانساری، سیداحمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- ۲۳- خرمشاهی، بهالدین، صدر حاج سیدجوادی، دایره المعارف تشیع، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت(ع)، ۱۳۶۰ش.
- ۲۴- خوئی، ابوالقاسم، المعتمد فی شرح العروه الوثقی، قم، منشورات مدرسه العلم، ۱۴۱۶ق.
- ۲۵- الدمیاطی، السیدالبکری، اعانه الطالبین، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- ۲۶- الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- ۲۷- الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۸.
- ۲۸- سائیس، محمد علی: «تفسیر آیات الاحکام»، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ۲۹- سید سابق، فقه السنه، بیروت، دار الکتاب العربی، بی‌تا.
- ۳۰- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنـ، ۱۴۱۳هـ.ق.
- ۳۱- الشربینی، محمد بن احمد: «الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع»، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا. الشوکانی، محمد بن علی: «نیل الاوطار»، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م.
- ۳۲- شافعی، محمد بن ادريس، کتاب الام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- ۳۳- طباطبایی، حکیم، محسن، مستمسک العروه، ج ۱۱، موسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۶.
- ۳۴- طریحی، فخرالدین، مجمع البیان، تهران، ۱۴۱۶هـ.ق.

- ۳۵- الطنطاوی، سید محمد: «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۳۶- عاملی، حسن بن یوسف، منتهی المطالب، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ق.
- ۳۷- عاملی، شهید ثانی، زیدالدین بن علی، مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۳ه.ق.
- ۳۸- عاملی، محمدبن مکی، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، مرکز ابیات اسلامی، الدراسات الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- ۳۹- العاملی، سید محمد، مدارک الاحکام، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۰ق.
- ۴۰- عبدالوهاب، محمد، شروط الصلاه و ارکانها و واجباتها، ریاض، مطالع الرياض، بی تا.
- ۴۱- فیومی مقری، احمدبن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ه.ق.
- ۴۲- الکاشاری، ابوبکر، بدائع الصنائع، پاکستان، المکتبه الحبیبه، ۱۴۰۹.
- ۴۳- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
- ۴۴- گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، کتاب الحج، قم، دارالقرآن، ۱۴۰۳ه.ق.
- ۴۵- مالک، ابن انس، المدونه الکبری، بیروت، دار احیاء التراث العرب، بی تا.
- ۴۶- المصری، ابن نجیم، البحر الرائق، بیروت، دار احیاء الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ۴۷- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، ۱۳۵۸.
- ۴۸- مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، دار التیار الجدید، دار الجواد، بیروت - لبنان، ۱۴۲۱ ه.ق.
- ۴۹- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیه السلام، ۱۴۱۲ه.ق.
- ۵۰- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ه.ق.
- ۵۱- الهندی، الفاضل، کشف اللثام، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶.